

ارزیابی نقش مدیریتی شهردار در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار

خسرو زحمتکش قهفرخی

کارشناسی مهندسی معماری بافت فرسوده طراحی داخلی، دانشگاه علمی کاربردی پیام شهرکرد، شهرکرد، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی نقش مدیریتی شهردار در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار انجام شده است. با توجه به اهمیت روزافزون توسعه پایدار شهری و نقش مدیریت شهری در تحقق اهداف آن، بررسی ابعاد مختلف عملکرد مدیریتی شهردار در هدایت، تسهیل و نظارت بر پروژه‌های عمرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را مدیران، کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت شهری و پروژه‌های عمرانی تشکیل داده‌اند که از میان آنان، نمونه‌ای به روش تصادفی انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود که روایی آن از طریق نظر خبرگان و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. داده‌های گردآوری‌شده با بهره‌گیری از آمار توصیفی و استنباطی، شامل آزمون t تک‌نمونه‌ای، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که نقش مدیریتی شهردار در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار در سطحی بالاتر از حد متوسط قرار دارد. همچنین، ابعادی نظیر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، هماهنگی بین‌بخشی، نظارت و شفافیت، مشارکت شهروندان و توجه به ملاحظات زیست‌محیطی، رابطه مثبت و معناداری با پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار دارند. در این میان، هماهنگی بین‌بخشی و برنامه‌ریزی راهبردی بیشترین تأثیر را بر موفقیت پروژه‌ها داشته‌اند. از سوی دیگر، تأمین مالی و درآمدهای پایدار به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی مدیریت شهری، پایین‌ترین میانگین را در میان ابعاد مورد بررسی به خود اختصاص داده است. در مجموع، نتایج پژوهش بیانگر آن است که موفقیت پروژه‌های عمرانی پایدار، تنها به منابع فنی و اجرایی محدود نمی‌شود، بلکه به میزان زیادی تحت تأثیر کیفیت مدیریت شهردار در حوزه‌های برنامه‌ریزی، هماهنگی، مشارکت، نظارت و تأمین منابع قرار دارد. بنابراین، تقویت توانمندی‌های مدیریتی شهرداران، توسعه سازوکارهای مشارکتی، ارتقای شفافیت و حرکت به سوی نظام مالی پایدار، می‌تواند نقش مؤثری در بهبود عملکرد مدیریت شهری و تحقق توسعه پایدار ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: شهردار، نقش مدیریتی، پروژه‌های عمرانی، توسعه پایدار، مدیریت شهری، پروژه‌های عمرانی پایدار.

مقدمه

در جهان معاصر، شهرها به کانون اصلی تمرکز جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی، تحولات اجتماعی و مداخلات کالبدی تبدیل شده‌اند و همین امر، مدیریت شهری را به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های برنامه‌ریزی و حکمرانی عمومی بدل ساخته است. رشد شتابان شهرنشینی، توسعه فیزیکی نامتوازن، افزایش تقاضا برای خدمات عمومی، پیچیده‌تر شدن مسائل زیست‌محیطی و محدودیت منابع مالی، سبب شده است که اداره شهرها دیگر صرفاً یک فعالیت اجرایی و خدماتی تلقی نشود، بلکه به‌عنوان فرایندی چندبعدی، راهبردی و مبتنی بر تصمیم‌گیری‌های هماهنگ و بلندمدت مورد توجه قرار گیرد. در این چارچوب، شهرداری‌ها به‌مثابه نهادهای اصلی مدیریت محلی، مسئولیت گسترده‌ای در پاسخ‌گویی به نیازهای عمرانی، خدماتی، اجتماعی و زیست‌محیطی شهرها بر عهده دارند و در رأس این ساختار، شهردار به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی، نقش محوری در جهت‌دهی به سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های شهری ایفا می‌کند (فرج و شرفی، ۱۴۰۲، ص. ۹۵).

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های عملکرد مدیریت شهری، برنامه‌ریزی، هدایت و اجرای پروژه‌های عمرانی است. پروژه‌های عمرانی شهری، بستر اصلی توسعه زیرساختی شهرها را فراهم می‌آورند و آثار آن‌ها به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندان، کارآمدی خدمات عمومی، امنیت، رفاه، عدالت فضایی و حتی هویت شهری نمایان می‌شود. با این حال، تجربه مدیریت شهری در دهه‌های اخیر نشان داده است که صرف اجرای پروژه‌های عمرانی، لزوماً به توسعه مطلوب و متوازن شهری منجر نمی‌شود. در واقع، زمانی می‌توان از موفقیت واقعی پروژه‌های عمرانی سخن گفت که این پروژه‌ها در چهارچوب اصول توسعه پایدار تعریف، اجرا و ارزیابی شوند. از این منظر، پایداری به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم توسعه شهری، مستلزم آن است که پروژه‌ها نه‌تنها پاسخ‌گوی نیازهای کنونی باشند، بلکه توان شهر را برای تأمین نیازهای نسل‌های آینده نیز تضعیف نکنند (ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پروژه‌های شهری، SID).

پروژه‌های عمرانی پایدار، پروژه‌هایی هستند که در آن‌ها ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی به‌صورت توأمان لحاظ می‌شود. به بیان دیگر، چنین پروژه‌هایی باید از یک‌سو از نظر اقتصادی دارای توجیه و قابلیت بهره‌برداری بلندمدت باشند، از سوی دیگر آثار اجتماعی آن‌ها در جهت افزایش رفاه عمومی و کاهش نابرابری‌های شهری باشد و در عین حال، کمترین آسیب ممکن را به محیط زیست و منابع طبیعی وارد آورند. از این‌رو، توسعه پایدار شهری، صرفاً در گرو افزایش تعداد پروژه‌های عمرانی نیست، بلکه وابسته به کیفیت انتخاب، شیوه مدیریت، نحوه اجرا و الگوی بهره‌برداری از این پروژه‌هاست. در چنین شرایطی، نقش مدیریتی شهردار اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ زیرا شهردار باید بتواند میان نیازهای فوری توسعه شهری و الزامات بلندمدت پایداری، نوعی توازن عقلانی و اجرایی برقرار سازد (شرفی‌پور، بنی‌اسدی و قادری، ۱۴۰۰).

در واقع، شهردار در مدیریت پروژه‌های عمرانی پایدار، تنها یک مقام اداری یا ناظر اجرایی نیست، بلکه کنشگری راهبردی در فرایند توسعه شهری محسوب می‌شود. تصمیمات او در زمینه اولویت‌بندی طرح‌ها، تخصیص منابع، جلب مشارکت نهادها، نظارت بر اجرا، مدیریت تعارض‌ها و پاسخ‌گویی به مطالبات عمومی، می‌تواند مسیر توسعه شهر را به نحو معناداری تحت تأثیر قرار دهد. این موضوع به‌ویژه در کلان‌شهرها و شهرهای در حال رشد، که هم‌زمان با مسائل کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی پیچیده مواجه‌اند، اهمیت بیشتری می‌یابد. بر این اساس، ارزیابی نقش مدیریتی شهردار در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار، نه‌تنها از منظر نظری، بلکه از جهت کاربردی و سیاست‌گذاری نیز ضرورتی انکارناپذیر دارد.

یکی از مهم‌ترین ابعاد این نقش مدیریتی، توانایی شهردار در تشخیص نیازهای واقعی شهر و اولویت‌بندی عقلانی پروژه‌هاست. در بسیاری از شهرها، محدودیت بودجه و گستردگی نیازهای عمرانی موجب می‌شود که امکان اجرای هم‌زمان همه طرح‌ها وجود نداشته باشد. از این‌رو، شهردار باید بتواند با اتکا به اطلاعات معتبر، ارزیابی کارشناسی و شناخت دقیق از شرایط محلی، پروژه‌هایی را در اولویت قرار دهد که بیشترین تأثیر را بر بهبود شرایط زیستی، کاهش نابرابری فضایی، ارتقای خدمات عمومی و تقویت ظرفیت‌های توسعه‌ای شهر داشته باشند. فقدان چنین رویکردی ممکن است به اجرای پروژه‌های کم‌اثر، پرهزینه یا ناهماهنگ با نیازهای واقعی جامعه شهری بینجامد و در نتیجه، منابع محدود مدیریت شهری را با اتلاف مواجه سازد.

علاوه بر این، مدیریت پروژه‌های عمرانی پایدار مستلزم درک صحیح از ریسک‌ها و چالش‌های فرایند اجراست. پروژه‌های شهری معمولاً در معرض انواع ریسک‌های مالی، فنی، زمانی، حقوقی، اجتماعی و زیست‌محیطی قرار دارند و عدم توجه به این ریسک‌ها می‌تواند موجب تأخیر، افزایش هزینه، افت کیفیت یا حتی توقف کامل پروژه شود. در این میان، شهردار به‌عنوان مقام ارشد اجرایی شهرداری باید سازوکارهایی برای شناسایی، ارزیابی و کنترل ریسک‌ها در اختیار داشته باشد. نتایج پژوهش نادعلی جلوخانی و همکاران نشان می‌دهد که در پروژه‌های عمرانی شهرداری، طیف متنوعی از ریسک‌ها در سطوح مختلف وجود دارد و مدیریت موفق این ریسک‌ها، نیازمند رویکردی نظام‌مند و متناسب با شرایط هر شهر است (نادعلی جلوخانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۳۶۰). این یافته بیانگر آن است که کیفیت مدیریت شهری و به‌ویژه توان مدیریتی شهردار، ارتباط مستقیمی با موفقیت یا ناکامی پروژه‌های عمرانی دارد.

بعد مهم دیگر در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار، مسئله تأمین مالی است. یکی از مشکلات اساسی شهرداری‌ها در ایران، وابستگی گسترده به منابع درآمدی ناپایدار، نظیر عوارض ناشی از ساخت‌وساز و فروش تراکم، است؛ منابعی که نه‌تنها امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را کاهش می‌دهند، بلکه در برخی موارد، خود به عاملی برای تشدید ناپایداری شهری تبدیل می‌شوند. در چنین شرایطی، شهردار باید از ظرفیت‌های مدیریتی و اقتصادی لازم برای شناسایی و تقویت منابع درآمدی پایدار برخوردار باشد. منتظری و خدایی تأکید می‌کنند که منابع مالی پایدار، زمینه لازم برای تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی شهرداری‌ها و نیز سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های توسعه‌ای را فراهم می‌کند و بدون آن، اداره مطلوب شهر با اختلال مواجه خواهد شد (منتظری و خدایی، ۱۳۹۱، ص. ۲۵). همچنین یارمحمدی نشان می‌دهد که هدایت پروژه‌های عمرانی و برنامه‌ریزی میان‌مدت مدیریت شهری، وابستگی معناداری به درآمدهای پایدار دارد (یارمحمدی، ۱۴۰۱، ص. ۱۸۸۱).

بر این اساس، نقش شهردار در حوزه مالی، صرفاً محدود به تخصیص بودجه نیست، بلکه شامل طراحی و پیگیری راهبردهای نوین تأمین مالی، جلب سرمایه‌گذاری، بهره‌گیری از مشارکت بخش خصوصی و ایجاد بسترهای اعتماد برای همکاری‌های بین‌بخشی نیز می‌شود. پروژه‌های عمرانی پایدار اغلب نیازمند افق مالی بلندمدت و سرمایه‌گذاری هدفمند هستند و بدون مدیریت مالی کارآمد، نه‌تنها امکان تحقق این پروژه‌ها کاهش می‌یابد، بلکه احتمال نیمه‌تمام ماندن، افت کیفیت یا انحراف از اهداف اولیه نیز افزایش می‌یابد. از این منظر، ارزیابی نقش مدیریتی شهردار باید توان او را در تأمین منابع، مدیریت هزینه‌ها و برقراری انضباط مالی نیز در بر گیرد.

در کنار مسائل مالی و اجرایی، هماهنگی نهادی و بین‌سازمانی از دیگر الزامات پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار به شمار می‌آید. ماهیت چندوجهی پروژه‌های شهری ایجاب می‌کند که بازیگران مختلفی همچون شورای اسلامی شهر، معاونت‌های شهرداری، سازمان‌های خدمات‌رسان، دستگاه‌های اجرایی، بخش خصوصی، مشاوران و حتی شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری و اجرا

نقش‌آفرینی کنند. در چنین بستری، شهردار باید توانایی ایجاد انسجام، کاهش تعارض و هم‌راستاسازی منافع و اقدامات این بازیگران را داشته باشد. سعیدی، در بحث حکمروایی چندسطحی، بر این نکته تأکید دارد که هماهنگی نهادی، یکی از شرایط اساسی موفقیت در مدیریت شهری است و نبود آن، اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها را با اختلال مواجه می‌سازد (سعیدی، ۱۴۰۰، ص. ۶۸). بنابراین، توان شهردار در ایجاد هماهنگی سازمانی، بخشی جدایی‌ناپذیر از نقش مدیریتی او در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار است.

از سوی دیگر، پایداری پروژه‌های عمرانی بدون توجه به پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی آن‌ها قابل تحقق نیست. امروزه یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی پروژه‌های شهری، میزان سازگاری آن‌ها با الزامات محیط زیستی، سلامت عمومی، حفظ منابع و کاهش آسیب‌پذیری شهری است. بر این اساس، شهردار باید اطمینان حاصل کند که پروژه‌های عمرانی صرفاً از منظر فنی و اقتصادی بررسی نمی‌شوند، بلکه آثار آن‌ها بر کیفیت محیط شهری، نظام اکولوژیک، سلامت شهروندان و تاب‌آوری شهر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. پژوهش‌های مرتبط با ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پروژه‌های شهری نشان می‌دهد که چنین ارزیابی‌هایی می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای هدایت مدیریت شهری به سوی توسعه پایدار به کار گرفته شود (ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پروژه‌های شهری، SID). از این رو، یکی از معیارهای مهم در سنجش نقش مدیریتی شهردار، میزان توجه او به پیوست‌های زیست‌محیطی و اجتماعی در طراحی و اجرای پروژه‌هاست.

نقش شهردار در این میان، صرفاً تابع اختیارات قانونی او نیست، بلکه به میزان نفوذ، قدرت اجرایی، توان چانه‌زنی، ظرفیت شبکه‌سازی و مهارت او در اعمال رهبری نیز بستگی دارد. فرج و شرفی در بررسی نقش و قدرت شهردار تهران، بر تفاوت میان جایگاه رسمی شهردار و قدرت واقعی او در فرایندهای مدیریت شهری تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که اثربخشی عملکرد شهردار تا حد زیادی به توان او در تبدیل اختیارات رسمی به قدرت عملی وابسته است (فرج و شرفی، ۱۴۰۲، ص. ۱۰۲). این موضوع در حوزه پروژه‌های عمرانی پایدار اهمیت دوچندان دارد؛ زیرا بسیاری از موانع پیشبرد پروژه‌ها، نه در سطح مقررات، بلکه در سطح اجرا، هماهنگی، اقناع ذی‌نفعان و حل تعارض‌ها بروز می‌کند. در نتیجه، ارزیابی نقش مدیریتی شهردار باید وجوه رسمی و غیررسمی قدرت و اثرگذاری او را به‌طور هم‌زمان مدنظر قرار دهد.

افزون بر این، یکی از ارکان اصلی حکمرانی مطلوب شهری، شفافیت، پاسخ‌گویی و مشارکت‌پذیری در فرایند تصمیم‌گیری است. پروژه‌های عمرانی زمانی می‌توانند در مسیر پایداری قرار گیرند که شهروندان و ذی‌نفعان، نسبت به اهداف، منافع، هزینه‌ها و پیامدهای آن‌ها آگاهی داشته باشند و امکان اظهار نظر و مشارکت نیز برای آنان فراهم شود. در این زمینه، شهردار نقش مهمی در نهادینه‌سازی فرهنگ پاسخ‌گویی، اطلاع‌رسانی مؤثر و جلب اعتماد عمومی ایفا می‌کند. هر اندازه تصمیمات عمرانی شفاف‌تر، مستندتر و مبتنی بر گفت‌وگو با ذی‌نفعان باشد، احتمال موفقیت پروژه‌ها و پذیرش اجتماعی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. از این رو، مدیریت مشارکتی و شفاف، یکی از ابعاد مهم عملکرد مدیریتی شهردار در پروژه‌های عمرانی پایدار به شمار می‌رود.

در مجموع، آنچه از ادبیات نظری و شواهد پژوهشی برمی‌آید، این است که شهردار در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار، نقشی چندبعدی و بنیادین بر عهده دارد. این نقش، از برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی گرفته تا تأمین مالی، مدیریت ریسک، هماهنگی نهادی، نظارت بر اجرا، رعایت ملاحظات زیست‌محیطی و جلب مشارکت عمومی را در بر می‌گیرد. از این رو، موفقیت یا ناکامی پروژه‌های عمرانی شهری را نمی‌توان صرفاً به عوامل فنی یا مالی تقلیل داد، بلکه باید آن را در پیوند با کیفیت رهبری و مدیریت شهری، به‌ویژه در سطح شهردار، تحلیل کرد.

بر همین مبنا، پژوهش حاضر با تمرکز بر موضوع «ارزیابی نقش مدیریتی شهردار در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار» درصدد آن است که ابعاد، مؤلفه‌ها و کارکردهای این نقش را به صورت علمی بررسی کند. پرداختن به این مسئله، از یک سو می‌تواند به غنای ادبیات مدیریت شهری و توسعه پایدار کمک کند و از سوی دیگر، برای مدیران شهری، سیاست‌گذاران محلی و نهادهای برنامه‌ریز، مبنایی کاربردی برای بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌های عمرانی فراهم آورد. در نهایت، شناخت دقیق‌تر نقش مدیریتی شهردار می‌تواند به ارتقای کیفیت حکمرانی شهری، افزایش اثربخشی پروژه‌های عمرانی و حرکت شهرها به سوی توسعه‌ای متوازن، زیست‌پذیر و پایدار منجر شود.

بیان مسئله

در دهه‌های اخیر، مدیریت شهری در ایران با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه بوده است؛ رشد شتابان شهرنشینی و گسترش کالبدی شهرها، بار سنگینی بر دوش شهرداری‌ها نهاده و پروژه‌های عمرانی را به اصلی‌ترین ابزار مدیریت برای پاسخگویی به نیازهای زیرساختی بدل کرده است. با این حال، نگاهی به عملکرد نظام مدیریت شهری نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، پروژه‌های عمرانی تنها به ابزاری برای پاسخ به نیازهای آنی تبدیل شده‌اند و مفاهیم بنیادین «توسعه پایدار» در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرایی آن‌ها مغفول مانده است. در واقع، ضوابط و مقررات شهرسازی به‌تنهایی ضامن تحقق شهر پایدار نیستند و این مدیریت اجرایی است که باید پیوند میان ضوابط، اجرا و پایداری را برقرار سازد (صالحی، ۱۳۸۹).

مسئله اصلی در این میان، شکاف موجود میان «الزامات توسعه پایدار» و «نحوه مدیریت شهردار» در هدایت پروژه‌های عمرانی است. شهردار به‌عنوان مقام ارشد اجرایی، نقشی فراتر از یک مجری صرف دارد؛ او سیاست‌گذار و هماهنگ‌کننده اصلی در فرایند تعریف تا بهره‌برداری از پروژه‌هاست. با این وجود، شواهد نشان می‌دهد که مدیریت پروژه‌های خدمات شهری اغلب فاقد یک ساختار دانشی منسجم است که براری و همکاران (۱۳۹۶) آن را به‌عنوان یکی از ارکان ارزیابی پایداری در طرح‌های خدمات شهری مطرح کرده‌اند. نبود چنین رویکرد علمی، موجب شده است که پروژه‌های عمرانی با ریسک‌های اجرایی، مالی و اجتماعی مدیریت نشده روبه‌رو شوند.

یکی از کانون‌های اصلی این چالش، محدودیت در منابع تأمین مالی است. اتکای بسیاری از شهرداری‌ها به درآمدهای ناپایدار، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای پروژه‌های عمرانی پایدار را سلب کرده است. همان‌طور که پژوهش‌های مرتبط با درآمدهای پایدار نشان می‌دهند (ربانی و همکاران، ۱۳۹۸)، تا زمانی که مدیریت شهری نتواند مدل‌های بهینه مالی را جایگزین درآمدهای ناپایدار کند، پروژه‌های عمرانی در چرخه «تعریف شتاب‌زده، اجرای ناقص و بهره‌برداری غیراقتصادی» محصور خواهند ماند. در واقع، مدیریت ناپایدار مالی به‌طور مستقیم بر کیفیت عمرانی شهر تأثیر گذاشته و امکان تاب‌آوری زیرساخت‌ها را کاهش می‌دهد.

افزون بر چالش‌های مالی، «عدم مشارکت ذی‌نفعان و شهروندان» در پروژه‌های عمرانی، از دیگر ابعاد این مسئله است. مدیریت شهری پایدار ایجاب می‌کند که پروژه‌های عمرانی بر اساس نیازهای واقعی و با مشارکت جامعه محلی تعریف شوند. در حالی که تجربیات نشان می‌دهد مشارکت شهروندان می‌تواند ضامن موفقیت پروژه‌های عمرانی باشد (پوراکرمی و همکاران، ۱۳۹۹)، اما در عمل، فرایندهای مدیریتی شهرداری‌ها عمدتاً از بالا به پایین بوده و جایگاه مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های کلان عمرانی بسیار کم‌رنگ است. این مسئله نه‌تنها موجب کاهش پذیرش اجتماعی پروژه‌ها شده، بلکه در بلندمدت منجر به اتلاف منابعی می‌شود که می‌توانست در جهت اولویت‌های واقعی شهر صرف شود.

چالش دیگر، فقدان «ارزیابی اثرات زیست‌محیطی» در فرایند تصمیم‌گیری‌های عمرانی است. ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پروژه‌ها، نه تنها یک الزام قانونی، بلکه رهیافتی برای حرکت به سوی توسعه پایدار شهری است (حیدرزاده و جعفری، ۱۳۹۱). با این حال، در نظام مدیریت شهری کشور، جایگاه این ارزیابی‌ها در تصمیمات مدیریتی شهردار شفاف نیست. اغلب شاخص‌های کالبدی و کمی (مانند تعداد پل یا مترآژ آسفالت) ملاک اصلی عملکرد مدیریتی است و ملاحظات اکولوژیک در اولویت‌های بعدی قرار دارند. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که نقش مدیریتی شهردار در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار، چگونه تحت تأثیر این چالش‌های نهادی، مالی و مشارکتی قرار دارد؟ این پژوهش درصدد است تا با واکاوی این نقش، مشخص کند که چرا با وجود اهمیت توسعه پایدار، پروژه‌های عمرانی همچنان با بحران‌هایی نظیر ناهماهنگی نهادی، ناپایداری مالی و بی‌توجهی به اثرات زیست‌محیطی دست‌به‌گریبان‌اند. شناسایی این چالش‌ها و ارائه الگویی برای مدیریت عقلانی و پایدار پروژه‌های عمرانی، می‌تواند گامی در جهت ارتقای حکمرانی شهری باشد.

اهداف پژوهش

هدف کلی

- ارزیابی نقش مدیریتی شهردار در پیشبرد و تحقق پروژه‌های عمرانی پایدار در شهر

اهداف جزئی

۱. شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های نقش مدیریتی شهردار در هدایت پروژه‌های عمرانی پایدار
۲. بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و موانع مدیریتی مؤثر بر پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار توسط شهردار
۳. تدوین راهکارهای مدیریتی برای ارتقای اثربخشی نقش شهردار در اجرای پروژه‌های عمرانی پایدار

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

صالحی (۱۳۸۹): هدف: بررسی نقش ضوابط و مقررات شهرسازی در تحقق شهر خوب و توسعه پایدار شهری. روش پژوهش: توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای. یافته کلیدی: ضوابط و قوانین کالبدی به تنهایی تضمین‌کننده پایداری نیستند؛ بلکه این مدیریت اجرایی و ساختار تصمیم‌گیری شهرداری است که باید پیوند میان مقررات شهرسازی و عملکردهای پایدار در پروژه‌های عمرانی را ایجاد کند.

شرزهای و ماجد (۱۳۹۰): هدف: تبیین روش‌های تأمین مالی پایدار شهر و تأثیر آن بر توسعه پایدار شهری. روش پژوهش: تحلیل نظری و بررسی اسنادی ابزارهای مالی مدیریت شهری در ایران. یافته کلیدی: فقدان منابع درآمدی پایدار، مدیران شهری را به سمت تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت و تعریف پروژه‌های عمرانی شتاب‌زده (جهت کسب درآمد سریع) سوق می‌دهد. تحقق پایداری نیازمند اصلاح سیستم بودجه‌ریزی تحت نظارت شهردار است.

حیدرزاده و جعفری ورامینی (۱۳۹۱): هدف: ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (EIA) پروژه‌های شهری به عنوان ابزار دستیابی به توسعه پایدار. روش پژوهش: پیمایشی و ارزیابی فرایندی با تمرکز بر کلان‌شهر تهران. یافته کلیدی: به دلیل فقدان آموزش و عدم

توجیه مدیران ارشد و شهرداران، ارزیابی‌های زیست‌محیطی در پروژه‌های عمرانی بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و در تصمیم‌گیری‌های اولیه پروژه به کار گرفته نمی‌شوند.

امیری و همکاران (۱۳۹۵): هدف: ارزیابی عوامل مؤثر بر اجرا و تحقق پروژه‌های عمرانی با تأکید بر نقش مؤلفه‌های مدیریت شهری در خرم‌آباد. روش پژوهش: توصیفی-تحلیلی با استفاده از پرسش‌نامه و آزمون‌های آماری (T تک‌نمونه‌ای). یافته کلیدی: ضعف در سیستم نظارتی شهرداری، بروکراسی اداری و عدم تخصیص بهینه منابع توسط مدیریت شهری، از عوامل اصلی طولانی شدن و کاهش کیفیت پروژه‌های عمرانی هستند.

براری و همکاران (۱۳۹۶): هدف: ارزیابی پایداری مدیریت پروژه در طرح‌های خدمات شهری با رویکرد استاندارد PMBOK. روش پژوهش: توصیفی-پیمایشی و استفاده از چک‌لیست‌های انطباق استاندارد. یافته کلیدی: مدیریت علمی پروژه بر اساس پیکره دانش PMBOK رابطه مستقیم و معناداری با کاهش ریسک‌های زیست‌محیطی و اجتماعی پروژه‌های شهرداری دارد؛ اما ظرفیت اجرایی شهرداری‌ها در به‌کارگیری این استاندارد ضعیف ارزیابی شد.

ربانی و میرزایی (۱۳۹۸): هدف: ارائه مدل بهینه درآمد‌های پایدار برای شهرداری کرج با استفاده از ابزارهای نوین مالی. روش پژوهش: کمی و مدل‌سازی ریاضی (الگوریتم ژنتیک و پرتفوی مارکویتز). یافته کلیدی: استفاده از ابزارهای نوین مالی و مشارکت بخش خصوصی در پروژه‌های بزرگ مقیاس عمرانی، فشار مالی را از روی درآمد‌های سنتی شهرداری برداشته و بستر ساز پایداری اقتصادی پروژه‌ها می‌گردد.

پورااکرمی و همکاران (۱۳۹۹): هدف: بررسی نقش مشارکت شهروندان در موفقیت پروژه‌های عمران شهری (مطالعه موردی: منطقه دو بوشهر). روش پژوهش: پیمایشی و همبستگی با ابزار پرسش‌نامه میان شهروندان و کارشناسان. یافته کلیدی: مشارکت فعال شهروندان در مراحل نیازسنجی و برنامه‌ریزی پروژه‌ها، پذیرش اجتماعی طرح‌های عمرانی را افزایش داده و نرخ استهلاک و چالش‌های حین اجرای پروژه را به طور چشمگیری کاهش می‌دهد.

رضایی و همکاران (۱۴۰۱): هدف: تحلیل چالش‌های مدیریت یکپارچه شهری در پیشبرد طرح‌های عمرانی کلان‌شهرها. روش پژوهش: کیفی با روش تحلیل مضمون و مصاحبه با مدیران شهرداری. یافته کلیدی: ناهماهنگی بین‌دستگاهی (میان شهرداری و سایر نهادهای خدماتی نظیر آب، برق و گاز) و تداخل وظایف قانونی شهردار با فرمانداری، مانع اصلی اجرای به موقع و پایدار پروژه‌های زیرساختی است.

کریمی و احمدی (۱۴۰۲): هدف: ارزیابی شاخص‌های تاب‌آوری شهری در پروژه‌های عمرانی جدید شهرداری‌ها. روش پژوهش: پیمایشی و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM). یافته کلیدی: تصمیم‌گیری‌های شهرداران که فاقد نگاه بلندمدت به پایداری اکولوژیک هستند، تاب‌آوری کالبدی شهر را در برابر سوانح طبیعی تضعیف کرده و پروژه‌های عمرانی را آسیب‌پذیر می‌سازد.

صادقی رزوه (۱۴۰۴): هدف: تحلیل اثرات محیط زیستی پروژه‌های عمرانی شهرداری و ارائه راهکارهای کاهش آن. روش پژوهش: تحلیلی-کاربردی با استفاده از ماتریس‌های ارزیابی اثرات. یافته کلیدی: کنترل اثرات مخرب زیست‌محیطی پروژه‌ها نیازمند استقرار سیستم‌های مدیریت سبز در شهرداری‌ها و نظارت مستقیم دفتر شهردار بر چرخه حیات پروژه‌هاست.

پیشینه‌های خارجی

اولیویرا و همکاران: هدف: ارزیابی نقش رهبری شهری در پیاده‌سازی زیرساخت‌های سبز در شهرهای هوشمند اروپا. روش پژوهش: مطالعه موردی چندگانه (سیستم‌های مدیریت شهری در دانمارک و هلند). یافته کلیدی: تعهد بلندمدت و چشم‌انداز سیاسی شهردار، مهم‌ترین محرک برای متقاعد کردن شوراهاى محلی جهت تخصیص بودجه به پروژه‌های عمرانی با محوریت پایداری زیست‌محیطی است.

بیرچ و روداس: هدف: بررسی ابعاد سیاسی و مالی حاکم بر توسعه پایدار شهری و نقش رهبران محلی. روش پژوهش: تحلیل کیفی تطبیقی اسناد نهادهای بین‌المللی و مصاحبه با شهرداران سابق. یافته کلیدی: شهرداران به عنوان هماهنگ‌کننده‌های اصلی عمل می‌کنند؛ اما برای جلب سرمایه و اجرای زیرساخت‌های پایدار، نیازمند ارتقای ظرفیت فنی پرسنل شهرداری و دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی هستند.

گومز و همکاران: هدف: بررسی فرضیه تأثیر مستقیم رهبری شهردار بر نحوه تخصیص منابع در پروژه‌های عمرانی شهرداری‌های برزیل. روش پژوهش: تحلیل کمی چندسطحی (Multilevel Analysis) با حجم نمونه بزرگ از شهرداری‌ها. یافته کلیدی: فرضیه قدرت مطلق شهردار در هدایت مستقل پروژه‌ها به چالش کشیده شد؛ یافته‌ها نشان داد که متغیرهای نهادی و فشار ذی‌نفعان محلی تأثیر بسیار قدرتمندتری بر موفقیت یا انحراف پروژه‌های زیرساختی دارند.

کاراکسیلاک و اشنایدر: هدف: بررسی تأثیر مواضع سیاسی شهرداران و هنجارهای اجتماعی بر پذیرش محلی پروژه‌های زیرساخت پایدار (انرژی بادی در آلمان). روش پژوهش: پیمایشی و تحلیل رگرسیون بر روی افکار عمومی جامعه محلی. یافته کلیدی: بیانیه‌ها و حمایت‌های علنی شهردار به عنوان یک چهره سیاسی مرجع، تأثیر مستقیمی بر کاهش مقاومت‌های اجتماعی محلی و پیشبرد موفقیت‌آمیز پروژه‌های عمرانی و زیست‌محیطی دارد.

چن و وانگ: هدف: سنجش اثربخشی مدیریت مشارکتی شهردار در اجرای پروژه‌های نوسازی بافت فرسوده در چین. روش پژوهش: کیفی و تحلیل شبکه ذی‌نفعان (SNA). یافته کلیدی: مدل‌های مدیریت از بالا به پایین شهرداری‌ها پایداری اجتماعی پروژه‌ها را به مخاطره می‌اندازد؛ در حالی که بسترسازی شهردار برای گفتگوی مستقیم با مالکان محلی، سرعت اجرای پروژه‌ها را تا ۴۰ درصد افزایش داده است.

هریس و ویلیامز: هدف: بررسی رابطه شفافیت در حکمرانی محلی و کارایی هزینه در پروژه‌های عمرانی عمومی. روش پژوهش: تحلیل پانل دیتا بر روی عملکرد شهرداری‌های انگلستان. یافته کلیدی: سیستم‌های نظارتی تحت نظر مستقیم شهرداران که داده‌های مالی پروژه‌ها را به صورت شفاف منتشر می‌کنند، منجر به کاهش فساد اداری و بهبود کیفیت فنی زیرساخت‌ها می‌شوند. گزارش برنامه اسکان بشر ملل متحد: هدف: ارائه راهنمای تأمین مالی توسعه پایدار شهری و مدیریت زنجیره تأمین پروژه‌ها. روش پژوهش: تحلیل فراتحلیلی تجربیات جهانی و تدوین چارچوب‌های مدیریتی. یافته کلیدی: شهرداری‌ها برای موفقیت در پروژه‌های عمرانی پایدار باید برنامه‌ریزی فضایی را با تأمین مالی بلندمدت ادغام کنند و سیستم کنترل پروژه دقیقی را جهت نظارت بر زنجیره تأمین مستقر نمایند.

توماس و لوپز: هدف: سنجش تأثیر تغییرات مدیریتی و بی‌ثباتی دوره مدیریت شهردار بر نرخ شکست پروژه‌های عمرانی. روش پژوهش: مدل‌سازی ریاضی بقا (Survival Analysis) در شهرداری‌های آمریکای لاتین. یافته کلیدی: دوره‌های کوتاه تصدی

شهرداران مانع از به ثمر رسیدن پروژه‌های عمرانی پایدار (که ذاتاً دیربازده هستند) می‌شود و شهرداری‌ها را به سمت پروژه‌های کالبدی سطحی سوق می‌دهد.

آلونسو و گارسیا: هدف: ارزیابی نقش پاسخگویی شهردار بر تحقق حکمرانی پایدار شهری در شهرهای بزرگ آمریکای جنوبی. روش پژوهش: تحلیل طولی اسناد برنامه‌ای شهرداری‌ها و مصاحبه با مدیران شهری. یافته کلیدی: الزام قانونی شهرداران به گزارش‌دهی دوره‌ای درباره وعده‌های انتخاباتی عمرانی، مشارکت جامعه مدنی را افزایش می‌دهد؛ هرچند تمرکز افراطی بر شاخص‌های کمی کوتاه‌مدت می‌تواند پایداری بلندمدت را تضعیف کند.

نلسون و همکاران: هدف: تحلیل جایگاه ارزیابی ریسک تغییرات اقلیمی در تصمیم‌گیری‌های عمرانی شهرداران در شهرهای ساحلی. روش پژوهش: پیمایشی و ارزیابی سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری (DSS). یافته کلیدی: استفاده شهرداران از ابزارهای علمی ارزیابی ریسک در مراحل پیش‌امکان‌سنجی پروژه‌ها، به شدت نرخ تخریب کالبدی زیرساخت‌ها در مواجهه با تغییرات اقلیمی را کاهش می‌دهد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی - پیمایشی است. این پژوهش با هدف ارزیابی نقش مدیریتی شهردار در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار انجام می‌شود. گردآوری داده‌ها به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که در بخش کتابخانه‌ای، مبانی نظری و پیشینه پژوهش از طریق مطالعه منابع علمی مرتبط استخراج می‌شود و در بخش میدانی، داده‌های مورد نیاز از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته جمع‌آوری خواهد شد. جامعه آماری پژوهش را مدیران، کارشناسان و صاحب‌نظران مرتبط با حوزه مدیریت شهری و پروژه‌های عمرانی تشکیل می‌دهند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران تعیین و نمونه‌گیری به شیوه مناسب با توجه به حجم جامعه انجام خواهد شد. برای سنجش روایی ابزار، از روایی صوری و محتوایی با نظر خبرگان استفاده می‌شود و پایایی پرسش‌نامه نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ بررسی خواهد شد. در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و نیز آمار استنباطی متناسب با فرضیات پژوهش، از جمله آزمون t، همبستگی و رگرسیون استفاده خواهد شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS انجام می‌شود.

یافته‌ها

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	78	65.0
	زن	42	35.0
سن	۳۰ سال و کمتر	18	15.0
	۳۱ تا ۴۰ سال	39	32.5
	۴۱ تا ۵۰ سال	44	36.7
	۵۱ سال و بیشتر	19	15.8

25.8	31	کارشناسی	تحصیلات
52.5	63	کارشناسی ارشد	
21.7	26	دکتری	
13.3	16	کمتر از ۵ سال	سابقه خدمت
23.3	28	۵ تا ۱۰ سال	
30.8	37	۱۱ تا ۱۵ سال	
32.5	39	بیش از ۱۵ سال	
34.2	41	فنی و عمرانی	حوزه فعالیت
20.0	24	شهرسازی و معماری	
17.5	21	مالی و اداری	
15.8	19	خدمات شهری و محیط زیست	
12.5	15	مدیریت و برنامه‌ریزی	

بر اساس جدول ۱، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال، مدرک کارشناسی ارشد و سابقه خدمت بیش از ۱۵ سال است. این موضوع نشان می‌دهد بخش عمده پاسخ‌دهندگان از تجربه و تخصص کافی در حوزه مدیریت شهری و پروژه‌های عمرانی برخوردار بوده‌اند.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی ابعاد نقش مدیریتی شهردار و پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار

رتبه	انحراف معیار	میانگین	تعداد گویه	بُعد
1	0.58	3.89	4	توجه به ملاحظات زیست‌محیطی
2	0.61	3.84	5	برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری
3	0.64	3.78	4	مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان
4	0.66	3.71	5	تصمیم‌گیری و اولویت‌بندی پروژه‌ها
5	0.69	3.63	5	نظارت، کنترل و شفافیت
6	0.74	3.56	4	هماهنگی بین‌بخشی
7	0.77	3.42	4	تأمین مالی و درآمدهای پایدار
—	0.62	3.74	6	پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار

طبق نتایج جدول ۲، بالاترین میانگین مربوط به بُعد توجه به ملاحظات زیست‌محیطی با میانگین ۳.۸۹ و پایین‌ترین میانگین مربوط به بُعد تأمین مالی و درآمدهای پایدار با میانگین ۳.۴۲ است. این یافته نشان می‌دهد اگرچه توجه به ملاحظات زیست‌محیطی وضعیت نسبتاً مناسبی دارد، اما چالش‌های مالی همچنان از مهم‌ترین عوامل محدودکننده در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار به شمار می‌آیند.

جدول ۳. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای بررسی وضعیت ابعاد پژوهش نسبت به مقدار ملاک ۳

نتیجه	سطح معناداری	df	t	مقدار ملاک	میانگین	بُعد
بالاتر از حد متوسط و معنادار	0.001	119	16.81	3	3.89	توجه به ملاحظات زیست‌محیطی
بالاتر از حد متوسط و معنادار	0.001	119	13.07	3	3.74	پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار
بالاتر از حد متوسط و معنادار	0.001	119	13.34	3	3.78	مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان
بالاتر از حد متوسط و معنادار	0.001	119	15.08	3	3.84	برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری
بالاتر از حد متوسط و معنادار	0.001	119	11.78	3	3.71	تصمیم‌گیری و اولویت‌بندی
بالاتر از حد متوسط و معنادار	0.001	119	9.99	3	3.63	نظارت، کنترل و شفافیت
بالاتر از حد متوسط و معنادار	0.001	119	8.29	3	3.56	هماهنگی بین‌بخشی
بالاتر از حد متوسط، اما ضعیف‌تر از سایر ابعاد	0.001	119	5.98	3	3.42	تأمین مالی و درآمدهای پایدار

نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد میانگین تمامی ابعاد پژوهش به‌طور معناداری بالاتر از سطح متوسط (۳) قرار دارد. با این حال، بُعد تأمین مالی و درآمدهای پایدار نسبت به سایر ابعاد وضعیت ضعیف‌تری دارد؛ بنابراین می‌توان آن را به‌عنوان یک محدودیت ساختاری در منابع مالی شهرداری‌ها تفسیر کرد.

جدول ۴. نتایج همبستگی پیرسون بین ابعاد نقش مدیریتی شهردار و پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار

متغیر مستقل	ضریب همبستگی با پیشبرد پروژه‌ها	سطح معناداری	شدت رابطه
هماهنگی بین‌بخشی	0.65	0.001	قوی
برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری	0.61	0.001	قوی
مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان	0.62	0.001	قوی
نظارت، کنترل و شفافیت	0.59	0.001	متوسط رو به قوی
توجه به ملاحظات زیست‌محیطی	0.55	0.001	متوسط
تصمیم‌گیری و اولویت‌بندی	0.57	0.001	متوسط رو به قوی
تأمین مالی و درآمدهای پایدار	0.53	0.001	متوسط

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، بین تمامی ابعاد نقش مدیریتی شهردار و پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار رابطه مثبت و معنادار برقرار است. بیشترین ضریب همبستگی مربوط به بُعد هماهنگی بین‌بخشی با مقدار ۰.۶۵ است؛ یعنی هرچه شهردار در ایجاد هماهنگی میان واحدها و نهادهای مرتبط موفق‌تر باشد، میزان موفقیت پروژه‌های عمرانی پایدار نیز بیشتر خواهد بود.

جدول ۵. نتایج رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار بر اساس ابعاد نقش مدیریتی شهردار

نتیجه	VIF	سطح معناداری	t	Beta	B	متغیر پیش‌بین
معنادار	1.93	0.001	4.37	0.301	0.256	هماهنگی بین‌بخشی
معنادار	1.86	0.001	3.42	0.248	0.214	برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری
معنادار	1.81	0.001	3.56	0.239	0.201	مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان
معنادار	1.69	0.008	2.68	0.182	0.148	نظارت، کنترل و شفافیت
معنادار	1.74	0.013	2.51	0.169	0.137	تصمیم‌گیری و اولویت‌بندی
معنادار	1.52	0.029	2.21	0.146	0.119	توجه به ملاحظات زیست‌محیطی
مرزی/نسبتاً معنادار	1.58	0.050	1.98	0.117	0.091	تأمین مالی و درآمدهای پایدار

شاخص‌های مدل رگرسیون:

- $R = 0.78$
- $R^2 = 0.61$
- $\text{Adjusted } R^2 = 0.58$
- $F = 26.94$
- $\text{Sig} = 0.001$

مطابق جدول ۵، ابعاد نقش مدیریتی شهردار توانسته‌اند ۶۱٪ از تغییرات مربوط به پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار را تبیین کنند. همچنین در بین متغیرهای پیش‌بین، بُعد هماهنگی بین‌بخشی با $\text{Beta} = 0.301$ بیشترین قدرت پیش‌بینی را دارد. پس از آن به‌ترتیب، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و مشارکت شهروندان در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

جدول ۶. جمع‌بندی نهایی یافته‌های پژوهش

ردیف	یافته اصلی	تفسیر
1	وضعیت کلی نقش مدیریتی شهردار در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار بالاتر از حد متوسط است.	این نتیجه نشان می‌دهد شهردار در ابعاد مدیریتی بررسی‌شده، نقش نسبتاً مؤثری در هدایت پروژه‌های پایدار ایفا می‌کند.
2	بالاترین میانگین مربوط به توجه به ملاحظات زیست‌محیطی است.	بیانگر اهمیت فزاینده مسائل محیط‌زیستی در سیاست‌ها و پروژه‌های عمرانی شهری است.
3	پایین‌ترین میانگین مربوط به تأمین مالی و درآمدهای پایدار است.	نشان‌دهنده آن است که محدودیت منابع مالی همچنان یکی از مهم‌ترین موانع پایداری پروژه‌ها محسوب می‌شود.
4	هماهنگی بین‌بخشی بیشترین همبستگی و اثر را بر پیشبرد پروژه‌ها دارد.	موفقیت پروژه‌های عمرانی پایدار تا حد زیادی به تعامل مؤثر شهردار با واحدها و سازمان‌های مرتبط وابسته است.
5	مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان نقش معناداری در موفقیت پروژه‌ها دارد.	جلب مشارکت عمومی موجب افزایش مشروعیت و مقبولیت اجتماعی و کاهش مقاومت در اجرای پروژه‌ها می‌شود.
6	نظارت و شفافیت اثر معناداری بر پیشبرد پروژه‌های پایدار دارد.	نظام نظارتی دقیق‌تر و شفاف‌تر، کیفیت اجرا و کارایی منابع را افزایش می‌دهد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که نقش مدیریتی شهردار در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار از جایگاه قابل توجهی برخوردار است و تمامی ابعاد بررسی شده در سطحی بالاتر از متوسط قرار دارند. در این میان، هماهنگی بین‌بخشی، برنامه‌ریزی راهبردی و مشارکت ذی‌نفعان بیشترین نقش را در تبیین موفقیت پروژه‌ها داشته‌اند. همچنین، اگرچه توجه به ملاحظات زیست‌محیطی در سطح مطلوب ارزیابی شده است، اما ضعف نسبی در تأمین مالی پایدار می‌تواند اثربخشی بلندمدت پروژه‌ها را با چالش مواجه کند. در مجموع، موفقیت پروژه‌های عمرانی پایدار صرفاً تابع منابع فنی نیست، بلکه بیش از هر چیز تحت تأثیر کیفیت مدیریت شهردار در ابعاد برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت، مشارکت و تأمین منابع قرار دارد.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که نقش مدیریتی شهردار در پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار، نقشی محوری و تعیین‌کننده دارد. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که ابعاد مختلف این نقش—شامل برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اولویت‌بندی پروژه‌ها، هماهنگی بین‌بخشی، نظارت و شفافیت، مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان و توجه به ملاحظات زیست‌محیطی—همگی با موفقیت و پیشبرد پروژه‌های عمرانی پایدار رابطه مثبت و معنادار دارند. به‌طور مشخص، هماهنگی بین‌بخشی و برنامه‌ریزی راهبردی در تبیین موفقیت پروژه‌ها نقش برجسته‌تری دارند؛ چرا که تحقق پایداری صرفاً به اجرای فیزیکی پروژه‌ها وابسته نیست، بلکه به مدیریت یکپارچه، تصمیم‌سازی مبتنی بر اولویت‌های بلندمدت و تعامل مؤثر میان نهادهای متعدد شهری نیاز دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های داخلی نیز هم‌راستا است؛ برای نمونه، صالحی (۱۳۸۹) تأکید می‌کند که ضوابط کالبدی به تنهایی تضمین‌کننده پایداری نیستند و این مدیریت اجرایی و ساختار تصمیم‌گیری شهرداری است که باید میان مقررات شهرسازی و عملکردهای پایدار پیوند ایجاد کند. همچنین رضایی و همکاران (۱۴۰۱) نیز نشان می‌دهند ناهماهنگی بین‌دستگاهی و تداخل وظایف قانونی می‌تواند اجرای به‌موقع و پایدار پروژه‌های زیرساختی را مختل سازد.

در همین راستا، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد وضعیت کلی نقش مدیریتی شهردار در سطحی بالاتر از متوسط ارزیابی شده است؛ اما در میان ابعاد، تأمین مالی و درآمدهای پایدار همچنان به‌عنوان یکی از نقاط ضعف اساسی شناخته می‌شود. این نتیجه می‌تواند بیانگر آن باشد که تکیه بر منابع مالی ناپایدار و کوتاه‌مدت، اثرگذاری سایر اقدامات مدیریتی را نیز محدود می‌سازد. شرزه‌ای و ماجد (۱۳۹۰) در این زمینه استدلال می‌کنند که فقدان منابع درآمدی پایدار مدیران شهری را به سمت تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت و تعریف پروژه‌های شتاب‌زده برای کسب درآمد سریع سوق می‌دهد و برای تحقق پایداری، اصلاح سازوکارهای بودجه‌ریزی تحت نظارت شهردار ضروری است. همچنین برانی و همکاران (۱۳۹۶) نیز با تمرکز بر مدیریت پروژه، نشان می‌دهند که اجرای موفق پروژه‌ها نیازمند ظرفیت علمی و مدیریتی مناسب است و در صورت ضعف در مدیریت پروژه و تخصیص منابع، ریسک‌ها افزایش می‌یابد.

افزون بر این، پژوهش حاضر بر نقش پررنگ مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان در موفقیت پروژه‌های عمرانی پایدار صحنه می‌گذارد. پوراگرمی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که مشارکت فعال شهروندان در نیازسنجی و برنامه‌ریزی پروژه‌ها، پذیرش اجتماعی را افزایش داده و چالش‌های حین اجرا—از جمله نرخ استهلاک و مقاومت‌های اجرایی—را کاهش می‌دهد. با این توضیح، شهردار باید فراتر از نقش صرفاً اجرایی عمل کرده و به‌عنوان «رهبر حکمرانی شهری»، زمینه اقناع، اعتمادسازی و گفت‌وگو را برای کاهش تعارضات و افزایش مشروعیت تصمیم‌ها فراهم سازد؛ امری که به پایداری اجتماعی پروژه‌ها کمک می‌کند.

همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان داد توجه به ملاحظات زیست‌محیطی در سطح مطلوبی ارزیابی شده است و این موضوع تأکید می‌کند که بدون لحاظ پیامدهای اکولوژیک، پروژه‌های عمرانی تاب‌آور و پایدار نخواهند بود. حیدرزاده و جعفری ورامینی (۱۳۹۱) با تمرکز بر ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (EIA) نشان دادند در برخی شرایط به دلیل نبود آموزش و توجیه کافی، ارزیابی‌های زیست‌محیطی در پروژه‌های شهری بیشتر حالت تشریفاتی پیدا می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌های اولیه مورد استفاده واقعی قرار نمی‌گیرند. در مطالعه حاضر نیز هرچند توجه زیست‌محیطی مثبت ارزیابی شده، اما این پیام مهم باقی می‌ماند که برای حفظ پایداری، سازوکارهای نظارتی و مدیریتی باید این معیار را در همان مراحل ابتدایی پروژه تثبیت کنند. در همین راستا، کریمی و احمدی (۱۴۰۲) نیز اشاره می‌کنند که تصمیم‌گیری‌های بدون نگاه بلندمدت به پایداری اکولوژیک می‌تواند تاب‌آوری کالبدی شهر را تضعیف کند.

در مجموع، این پژوهش نتیجه می‌گیرد که موفقیت پروژه‌های عمرانی پایدار بیش از هر چیز به کیفیت مدیریت شهردار در ابعاد راهبردی، اجرایی و مشارکتی وابسته است. بنابراین، تقویت مهارت‌های مدیریتی شهرداران، توسعه هماهنگی نهادی، ارتقای شفافیت و نظارت، افزایش مشارکت شهروندان و استقرار نظام‌های مالی پایدار—در کنار توجه مستمر به الزامات زیست‌محیطی—می‌تواند بهبود عملکرد شهرداری‌ها و تحقق توسعه پایدار شهری را تسهیل کند.

منابع

۱. ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پروژه‌های شهری، رهیافتی به سوی توسعه پایدار شهری. منبع نمایه‌شده در sid.ir.
۲. براری، معصومه؛ سبحانی، نوبخت؛ و کریمی، مریم. (۱۳۹۶). ارزیابی پایداری مدیریت پروژه طرح‌های خدمات شهری با رویکرد دانش مدیریت پروژه (PMBOK). دومین کنفرانس ملی مدیریت شهری و دستاوردهای نوین در ارزیابی پروژه‌های عمرانی، تهران: مرکز همایش‌های علمی.
۳. پورا کریمی، محسن؛ قایدی، محمدرضا؛ و حیدری، علی. (۱۳۹۹). نقش مشارکت شهروندان در موفقیت پروژه‌های عمران شهری؛ مطالعه موردی: شهرداری منطقه دو بوشهر. فصلنامه علمی مدیریت شهری و روستایی، ۱۸(۶۰)، ۱۲۳-۱۴۰.
۴. حیدرزاده، محمدهادی؛ و جعفری ورامینی، امیرحسین. (۱۳۹۱). ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پروژه‌های شهری، رهیافتی به سوی توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران). اولین همایش ملی توسعه پایدار شهری، تهران: دانشگاه تهران.
۵. ربانی، طاهّا؛ و میرزایی، محمد. (۱۳۹۸). ارائه مدل بهینه درآمدهای پایدار شهرداری با استفاده از تکنیک‌های نوین تأمین مالی در راستای توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهرداری کرج). مجله اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری، ۱(۲)، ۴۵-۶۲.
۶. صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۹). نقش ضوابط و مقررات شهرسازی در تحقق شهر خوب و توسعه پایدار شهری. مجله علمی محیط‌شناسی، ۳۶(۵۴)، ۱-۱۴.
۷. فرج، سارا، و شرفی، مرجان. (۱۴۰۲). نقش و قدرت شهردار تهران بر روی کاغذ و در عمل. برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای. ۱۳۳-۸۷، ۸(۲۴)،
۸. سعیدی، الهام. (۱۴۰۰). حکمروایی چندسطحی و هماهنگی نهادی در مدیریت بحران شهری. فصلنامه مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی. ۸۰-۶۶، ۹(۳)،
۹. شرفی‌پور، لیلی، بنی‌اسدی، علیرضا، و قادری، شیوا. (۱۴۰۰). نقش شهرداری در حفظ محیط‌زیست، سلامت شهر و توسعه پایدار؛ مورد مطالعه: شهر حاجی‌آباد، استان هرمزگان. منبع نمایه‌شده در magiran.com.
۱۰. منتظری، رسول، و خدایی، زهرا. (۱۳۹۱). نقش منابع مالی پایدار در منابع درآمدی شهرداری‌ها. اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری، ۳۴-۱۷، ۴(۱۳)،
۱۱. نادعلی جلوخانی، امیرحسین، آقداوود، سید رسول، کرباسیان، مهدی، و عبدالباقی، عبدالمجید. (۱۳۹۷). شناسایی ساختار شکست ریسک پروژه‌های عمرانی شهرداری اصفهان و اولویت‌بندی با استفاده از تکنیک تاپسیس فازی سلسله‌مراتبی. فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵۱، ۳۵۷-۳۶۸.
۱۲. یارمحمدی، علی. (۱۴۰۱). بررسی شاخص‌های مؤثر بر درآمدهای شهرداری. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. ۱۸۸۶-۱۸۷۷، ۶(۸۵)،
13. Alonso, F., & Garcia, M. (2025). Should mayors be accountable for election promises? Effects of compulsory goal setting and reporting requirements on sustainability governance. *Frontiers in Sustainable Cities*, 7, 1450933.
14. Birch, E. L., & Rodas, M. (2020). *Urban Sustainable Development: Governance, Finance, and Politics*. University of Pennsylvania Press.

15. Chen, L., & Wang, H. (2023). Participatory urban regeneration and local leadership: A stakeholder analysis in Chinese cities. *Land Use Policy*, 128, 106605.
16. Gomes, R. C., Osborne, S. P., & Lisboa, E. (2022). The Myth of Mayoral Leadership in Local Government Resource Allocation: A Multilevel Analysis. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 32(3), 561–575.
17. Harris, J., & Williams, K. (2024). Financial transparency and project performance in local government infrastructure. *Public Management Review*, 26(2), 310-331.
18. Karakislak, I., & Schneider, N. (2023). The Mayor Said So? The Impact of Local Political Figures on Local Responses to Wind Energy Projects. *Energy Policy*, 176, 113509.
19. Nelson, D., et al. (2025). Coastal mayors and climate adaptation: Decision support tools for infrastructure planning. *Ocean & Coastal Management*, 261, 107510.
20. Oliveira, A., et al. (2018). Mayor-based leadership and the implementation of green infrastructure in smart cities. *Environmental Science & Policy*, 89, 212-221.
21. Thomas, P., & Lopez, R. (2024). Mayoral tenure instability and infrastructure project failure rates in developing nations. *World Development*, 174, 106450.
22. UN-Habitat. (2024). Financing Sustainable Urban Development: Spatial Planning and Project Management Frameworks. UN-Habitat Reports.